

يك نگاه هفت مجموعه

نمایشگاه آثار نقاشي
شهریار بیگی
در هفت نگارخانه تهران

پاییز يك هزار و سیصد و هفتادونه
مطابق با پاییز سال دو هزار میلادي

این نمایشگاه برای اولین بار
در هفت نگارخانه تهران به
اجرا در آمد
اسامي نگارخانه هاي شرکت
کننده در این طرح بترتیب
تاریخ برگذاري به ترتیب
ذیل است:

پاسارگارد. دریابیگی. افرند.
مژده. بنفشه. شیو
طراحان آزاد

این نمایشگاه در هفت هفته
متوالي در تهران برگزار
گردید

"يك نگاه. هفت مجموعه" هفت
مجموعه نقاشي از آثار هنري
شهریار بیگی است که در
هفت هفته متوالي در هفت
نگارخانه تهران به اجرا در
آمد که با استقبال زياد
بينندگان خود مواجه گرديد
در اين مجموعه به شعرهاي
تصويري و تصويرهاي شاعرانه
اي برخورد کردیم که خود معني
و مفهوم اين ایده هنري يعني
"يك نگاه. هفت مجموعه" را به
خوبي کامل مي ساخت.
عنوان نمايشگاه و اطلاعات
مربوط به آن خود معني و
مفهوم و هويت اصلي نمايشگاه
را تشکيل مي داد يعني
نمايشگاه در اصل عنوان آن
"يك نگاه. هفت مجموعه" بود
به اين معني که حس ايجاد شده
از شنيدن اين عنوان يعني
"يك نگاه. هفت مجموعه" هدف
اصلي شهریار بیگی از به
اجرا درآوردن اين کار بود

پروژه اي بزرگ كه در پشت
اين عنوان كاري بزرگ و
نمايشگاه هايي هفت گانه در
سطح گسترده از كارهاي
هنرمند در محل هفت نگارخانه
تهران را در بر داشت.
كاري بس عظيم و گسترده كه
به بينندگان كنجكاوي كه
هفت نمايشگاه را دنبال
كردند امكان داد تا از بيش
از چهارصد تابلوي نقاشي
ديدن كنند و سبك ها و
تكنيك هاي بكار گرفته در
به وجود آوردن اين آثار
هنري را توسط شهريار بيگي
از نزديك به چشم ببينند
"يك نگاه. هفت مجموعه" براي
شهريار بيگي تنها يك
عنوان تنها نبود بل اين
مهم بادرك هنري او از تاثير
اين عنوان در موقع برخورد
با آن به عندان يك طرح و
ايدة هنري مطرح و انتخاب
شده بود.

پیشتر هفت دفتر شعر در هفت
کتاب از مجموعه اشعار او با
عنوان سکوت را ملاحظه کرده
بودیم و کم و بیش در مورد
علت انتخاب عدد هفت از او
و دیگران به دفعات شنیده
بودیم و از تاثیر آن بر
شنوندگان و خوانندگان این
آثار آگاه شدیم و دریافتیم
که برگزیدن عدد هفت برای
شهریار بیگي امري تصادفي
نبوده است و ریشه در عرفان
کهن دارد که ریشه و مفهوم
آن به عمق معني آغاز و
استفاده عدد هفت در تمدن
انسانی دارد.
عمق و معنایی که با عمیق
شدن در آن عمق و معنی می
یابد و کنایه از يك يکتا و
هفت افرینش دارد.
من خود هرگز وجد و شوري را
که برای اولي بار از شنیدن
این عنوان در خو حس کردم
هرگز از یاد نمی برم.

در اینجا باید بگوییم که
حسی که در موقع شنیدن این
عنوان "یک نگاه . هفت مجموعه"
و شنیدن توضیح و اطلاعات
مربوط به آن به انسان دست
می دهد به مانند برخورد با
هر اثر هنری دیگر نمی است
و ارتباط مستقیم با شنونده
عنوان و اطلاعات مربوط به آن
و چگونگی به عمق رفتن به این
معنی توسط شخص مخاطب دارد .
همان طور که قبلاً متذکر گردید
شنیدن عنوان این نمایشگاه
"یک نگاه . هفت مجموعه"

احساسات گوناگونی را در
افراد گوناگون ایجاد می کرد
و از وجد و شور تا عصبانیت
را در شخص مخاطب اثر ایجاد
می نمود که ریشه در درک این
ایده در نزد شخص مخاطب داشت
بعضی این ایده هنری را
پسندیدند و به عنوان ایده
و مفهوم هنری در نهایت معنی
و مفهوم انتزاعی آن

پذیرفتند و به دنبال آن با
کنجکاوی به دیدن آثار هفت
نمایشگاه رفتند و حض بصر
پردند و بعضی دیگر اگرچه
آن را نپذیرفتند اما به
گونه ای آن را شنیدند و از
شنیدن آن به شدت عصبانی
شدند و به هیچ یک از هفت
نمایشگاه نرفتند و هنرمند و
ایده و استفاده او را از
کلمه ها به عنوان هویت
اصلي يك ایده و اثر هنري
نپذیرفتند و او را مورد
انتقاد شدید قرار دادند و
اصرار ورزیدند که
"يك نگاه . هفت مجموعه "
تنها يك عنوان است و نمی
تواند خود هویت اصلي و
پایه ای يك نمایشگاه به
صورت کاملاً انتزاعي و در
بالاترین یا عمیق ترین شکل
انتزاعي خود از درك هنري
ماز يك ایده به شکل
انتزاعي باشد

اما شهریار بیگی با این
نظر مخالف است و می گوید:
"هنر و درک هنری و شکل
ابراز آن توسط انسان لزوما
نباید تنها به شکلی تجسمی
باشد که پیام هنرمند را به
مخاطب خاص خویش انتقال دهد
بل هنر و شکل اثر هنری می
تواند به صورت کاملا
انتزاعی و به صورتی غیر
تجسمی نیز به مخاطب انتقال
یابد و چگونگی شکل انتخاب
آن بستگی مستقیم با درک
هنرمند و مخاطب از هنر و
زبان مشترک مابین هنرمند و
مخاطب دارد و بی شک نخستین
مخاطب یک هنرمند خود اوست
که در آغاز با یک اثر هنری
ارتباط می گیرد و این اثر
هنری به وجود آمده را درک
می کند و در آن عمیق میشود
"یک نگاه . هفت مجموعه"
از یک سو به خاطر معنی یک و
هفت و معنی خاص این ترکیب

در عرفان کهن دنیا و از
سویی دیگر به خاطر چگونگی
استفاده شهریار بیگی از
این عنوان به صورت یک
ایده هنری جالب توجه و
مورد اهمیت قرار می‌گیرد و
نظارت بر شکل برگزاری آن
توسط شخص بیننده کنجکاو
این هفت مجموعه است که
رسیدن به عمق این معنی را
برای او کامل می‌سازد
در جهانی انتزاعی که در
اثر ارتباط مخاطب با این
اثر به وجود می‌آید
جهانی که از دنیای روزمرگی
به دور است و توجه
واحساسات مخصوص به خود را
برای درک این جهان از شخص
مخاطب برای درک این دنیای
جدید طلب می‌کند
این اثر به صورت منحصر به
فرد در تک تک بیننده‌های
خود حالتی ایجاد می‌کند که
هر یک در هر نگارخانه حس

مربوط به خود و در مجموع
حسی خاص و منحصر به فرد
خود را دارد
بیننده هر هفت نمایشگاه به
این حس کامل دست نمی یابد
مگر این که از پیش این
آزادگی را به درک و ذهنیت
خود برای درک این دنیای
تازه که از دنیای موجود در
دانستگی انسان بسیار دور
است داده باشد و خود را با
دانستگی و قضاوتی از پیش
آماده شده برای دیدن این
اثر آماده نکرده باشد.
البته حتی آنانی که تنها به
شنیدن نام این مجموعه قناعت
کردند و به دیدن آثار تجسمی
در این هفت نگارخانه
نرفتند نیز از این گروه
مستثنی نیستند و حسی که
آنان از این مجموعه گرفتند
با حس آنانی که هر هفت
مجموعه را به دقت دیدند فرق
می کند و متفاوت است

معني و مفهوم اين اثر هنري
"يك نگاه . هفت مجموعه"
با ديدن اين مجموعه در
نگارخانه ها كامل تر مي
شود و از شكل كاملا انتزاعي
كه ريشه در تعمق و درك
عميق از اين ايده در نزد
شخص مخاطب دارد به شكلي
ديگر در مي آيد كه خود خالي
از جذابيت نخواهد بود
اما بايد توجه كنيم كه
"يك نگاه . هفت مجموعه"
اثر هنري اي است كه خود به
صورت مستقل داراي ارزش و
پيام مخصوص به خود است
ايده و مفهومي كه براي درك
آن ضرورتي نخواهد داشت كه
به ديدن هر هفت مجموعه برويم
بل تنها با شنيدن آن
"يك نگاه . هفت مجموعه"
و درك اين ايده معني
مي يابد اگرچه بايد بگويم
كه دنبال كردن اين هفت
مجموعه و ديدن كارهاي تجسمي

آن برای مخاطب بسیار جذاب خواهد بود و تفکر و احساس او را در جهت درک این ایده هنری کامل تر می نماید.

شهریار بیگي مي گوید:
همه آناني که این عنوان
"يك نگا . هفت مجموعه"
را شنیدند پیام آنرا
دریافت کرده اند.
از این تعداد بودند کسانی
که هر هفت نمایشگاه را
دنبال کردند یا به يك یا
دو نمایشگاه آمدند یا اصلا
به هیچ کدام نیامدند اما
همه پیام انتزاعي این کار
را دریافت کردند و با
گفتار و اضافه کردن حس
خویش برای انتقال این پیام
به دیگران آگاهانه یا نا
آگاهانه مرا در انجام این
مهم کمک کردند که در این
جا جا دارد از زحمتي که

ایشان متحمل گردیدند
صمیمانه تشکر کنم
کار و عملی که ما و همه هستی
در هر حال در حال انجام آن
هستیم همین است که همه درمورد
این کار هنری به انجام
رساندند و همدیگر را در این
راه و رساندن پیام آن به
یکدیگر پیوسته کمک کردند
و این در واقع نهایت درک
انتزاعی از معنی و مفهوم
هنر انتزاعی است .
حال اگر گروهی آن را هنر
بنامند و گروهی آن را هنر
ننامند باز در اصل معنی و
مفهوم آن تفاوتی حاصل نشده
است و این اتفاق افتاده است
شهریار بیگی اضافه می کند
"یک نگاه . هفت مجموعه"
همین و بس نه کمتر و نه بیشتر
اگرچه آثار تجسمی این هفت
مجموعه را نیز می توان از
زاویه نگاه کردن به آثار
تجسمی مورد باز بینی

موشكافانه قرار داد. و در
تقسيم بندي ها به عنوان
آثار تجسمي از آنها ياد كرد
اما درك و عمل و پروسه درك
انتزاعي از هنر انتزاعي
مي تواند انتزاعي هم باشد
و شايد اين نوع نگاه به ان
مهم خود انتزاع خالص است
اگرچه انتزاع خالص زماني
حادث مي شود كه مخاطب آن
نيز به اندازه اين پديده
انتزاعي يا اثر انتزاعي
خود داراي طبيعت انتزاعي و
توانا به درك انتزاع باشد
شهريار بيگي اضافه مي كند
من كاملا مي فهمم كه همه
نبايد به يك صورت به اين
ايده و اجراي من عكس العمل
نشان بدهند و به آن پاسخ
گويند و كاملا طبيعي است
كه اين گونه باشد چرا كه
ما انسان ها همه به هم شبیه
نيستيم و از درك احساسی
گوناگونی از هستی پیرامون

اطراف مان (که آثار هنري
نيز از آن جدا نيستند)
برخورار هستيم
بي شك اگر به صورتي رها و
آزاد از هر قيد و بندي با
هر پديده اي برخورد كنيم و
از آن تنها ديدار كنيم و
بگذريم شايد رهايي آن پديده
را نيز دست نخورده بگذاريم و
بگذريم حال اگر آن پديده
رافهميده ايم يا نفهميده ايم
خود مطلبي ديگر است که صحبت
در مورد آن نه تنها به درك
آن كمكي نمي كند بل معني و
مفهوم آغازين آن را نيز از
بين مي برد و درك ما از آن
را دشوار مي سازد.

"او هست
همان گونه که هست
نه کمتر
و نه بیشتر

و چه شگفت انگيز است"

و اما توضیح کمی پیرامون
دیدار از نمایشگاه ها به
ترتیب برگزاري آنها در ذیل
آورده می شود که شما را به
طور کلی با چگونگی برگزاري
این کار آشنا خواهد کرد
از نمایشگاه دوم به بعد
آثار هر نمایشگاه به وسیله
دستگاه ویدئو در نمایشگاه
های بعدی نمایش داده می شود
به این وسیله این آثار
حضورى دوباره در نمایشگاه
های بعدی می یافت و بیننده
را در برابر گستردگی و وسعت
این مجموعه و اجرای عظیم آن
قرار می داد با دیدن این
مجموعه و دنبال کردن این
آثار از نگارخانه ای به
نگارخانه ای دیگر از لایه
های درون نگاه هنرمند
ایده و منظور او از
برگزاري این مجموعه بیشتر
اطلاع خواهیم یافت و درك
بیشتری از آن خواهیم یافت

نگارخانه پاسارگارد

آثار این مجموعه سرشار از حرکت های دورانی است طبیعت به معنی هستی و آفرینش میکروسکوپی تا هستی زمین و انسان و فضا و کل آفرینش و همه آنچه همه چیز را به هم پیوند می دهد با موضوع های گوناگون همچون گل .درخت. انسان. آفتاب. فضا کهکشان موضوی آثار نقاشی به نمایش در آمده در این نگارخانه است که به صورتی انتزاعی در هم آمیخته شده بودند و بیننده را به شگفتی هستی و دنیایی انتزاعی می برد کنش و حرکت در همه آثار حرف اول را می زند و به بیننده می آموزد که همه عناصر هستی از ریزترین تا کلی ترین آن در حال حرکت و شدن است گویی تک تک عناصر سازنده این آثار و نیز قرار گیری

هر اثر در کنار هر اثر
دیگر این معنی را تداعی
می‌سازد که اگر چه اجزای
تشکیل دهنده و موضوع آن‌ها
با یکدیگر متفاوت هستند
اما معنی و مفهوم و احساس
مشترکی را به بیننده القاء
می‌نمایند
چگونگی چیدمان کارها نیز
دریافت این حس و معنی را
تکامل می‌بخشد و به بیننده
اجازه می‌دهد که ذهن خویش
را آزادانه به پرواز در
آورد و به دنیای این آثار
سفر کند.
مواد رنگی بکار رفته برای
به وجود آوردن این آثار
مختلف و متفاوت هستند
اگرچه اکریلیک به عنوان
ماده پایه و اصلی‌ترین
ماده تشکیل دهنده این آثار
در کارها با تکنیک خاص
شهریار بیگی در به وجود

آوردن این آثار به کار
گرفته شده اند
از دیگر مواد می توان از
پاستل رنگ روغن آبرنگ جوهر
ورنی جلا چسب نام برد
کارها به گونه ای آستره
اکسپرسیونیستی است و از
آزادی و رهایی در موضوع و
بیان احساس مخصوص به خود
برخوردار است که ریشه در
شعر فلسفه و هنر اولیه
دارد و شخصیتی مستقل و
اورجینال به کارهای او
می دهد در این آثار بیان
تفکر و احساس هنرمند بر
رعایت اصول قراردادی جاری
برتری دارد و هنرمند را
دربیان احساس خویش به
تنگنای تکنیکی نکشیده است
آثار شهریار بیگی حرفی
تازه و زبانی مخصوص به خود
دارند اسباب درک این آثار
با نگاه کردن به آثار و
درک زبان آن فراهم می گردد

نگارخانه دریا بیگی

در نگارخانه دریا بیگی به
پرتره‌هایی برمی‌خوریم که
سرتاسر فضای نگارخانه را
در بر گرفته است و همه در
همه سو به بیننده خود
ذل زده اند و در هیچ کجا و
در هیچ زاویه‌ای از محل
نگارخانه بیننده را از
نگاه خود رها نمی‌سازند و
با نگاه خود بیننده را
دنبال می‌کنند
گاهی که نمایانگر تاکید
وصحه گذاشتن بر یادآوری بر
خویشتن است
گاهی که نمایانگر رو به رو
ساختن خود با خویشتن است
حالت این پرتره‌ها سرشار
از نیروهای مختلف درونی است
که با فرم‌ها و رنگ‌های
گوناگون حالتی مشخص و وهم
انگیز دارند و این حالت را

به بیننده این آثار القا
می کنند
پرتره هایی با لب برجسته و
بینی های دراز و باریک و
چشمان درشت باز که از درون
به ما می نگرند و در همه
حال در حال نظاره کردن
ونظاره شدن هستند
پرتره هایی که بیننده را
به دیدن خود و خویشش می
طلبند و با نگاه با نفوذ
خود بیننده را از زمانی که
در آن ایستاده است به
رویایی بی زمان می برد
جایی که جایی نیست جایی که
هیچ نیست و هیچ در آن به
دست نمی آید
و سرانجام این مهم
یعنی نظاره کردن و نظاره
شدن در یک تابلو به صورت
تنها یک چشم دیده می شود
بعضی از آثار سطحی مخطط
دارند و با منحنی های گرد
همراه شده اند و بعضی ساده

ترند و از رنگ های متفاوتی
(گرم و سرد) تشکیل
یافته اند که حالات مختلف
روانی چهره ها را بی واسطه
به بیننده آن القاء
می نماید مثل همیشه مواد
تشکیل دهنده کارها از مواد
رنگی مختلفی است اما پاستل
اساسی ترین ماده رنگی این
کارها را تشکیل می دهند در
مجموع کارهای ارائه شده در
نگارخانه دریا بیگی موضوع
اصلی این هفت مجموعه یعنی
هستی و آفرینش را دنبال می
کنند و به صورت هستی مشخص
انسانی هویت مستقل دارند و
حکایت از این دارند که
انسان خود دنیایی گسردهو
شگفت انگیز به وسعت دنیای
پیرامونی اطراف خویش است
دنیایی که با رجوع به آن و
بازگشت به آن بر شخص
جستجوگر آشکار می گردد
دنیایی که بی نهایت است

نگارخانه افرند

در مجموعه هنري سوم که در
نگارخانه افرند به نمایش
در آمد طبیعت و درختان نقش
عمده ای را در ترکیب بندی
این آثار به عهده دارند و
نیز دایره یا نقطه های
کوچک متعددی بر سطح کار بر
این ترکیب بندی اضافه
شده اند بعضی از آثار چند
لته ای هستند و به گونه ای
این حس را در بیننده ایجاد
می کنند که در درون اتاقی
بزرگ ایستاده ایم و از
پنجره های آن به مناظر
بیرون از آن می نگریم
کل کار حس و حالی از نقاشی
های خاور دور دارد که شاید
برای بیننده ایرانی در
برخورد اول آثار کمی دور و
غریب جلوه نمایند بر سطح
تمامی آثار وجود این نقطه
ها دایره ها خط های عمودی

و افقي و مورب و مواج در
زمينه تاريك و روشن كار
ايجاد ريتم و ضرب آهنگي با
طول موج گوناگون به آثار
مي دهد كه بينده را به
خوبي به خود مشغول مي دارد
و كنجكاوي او را براي ديدن
بيشتر آثار بر مي انگيزند
مثل ديگر آثار شهريار بيگي
آثار از مواد گوناگون
ساخته شھاند اما پاستل
اساسي ترين مواد رنگي
تشكيل دهنده اين آثار است
اين آثار همچون ديگر آثار
آبستره اكسپرسیونیستی است در
اين آثار شكلي ديگر از
آفرينش و هستي به تصوير
كشیده شده است كه پيوسته
در طبيعت در هر سو به چشم
مي خورد و قابل لمس است.
در اين مجموعه اگرچه موضوع
اين مجموعه يعني هستي و
آفرينش همچون ديگر آثار در

دیگر نگارخانه‌ها دنبال می
شود اما از استقلال خاص
موضوعی طبیعت برخوردار است
اگرچه سالن نگارخانه‌افرنده
بسیار کوچک بود اما چیدمان
کاملاً حرفه‌ای نمایشگاه نه
تنها این حس کوچکی نمایشگاه
را از بین برده بود بلکه با
کنتراست نقش و رنگ در آثار
حس فرحبخشی را به انسان می
داد که بیننده را به کلی
از محیط کوچک نمایشگاه به
طبیعتی گسترده و آزاد می برد
موسیقی انتخاب شده از طرف
هنرمند برای بخش در محل
نمایشگاه نیز همچون دیگر
نمایشگاه‌های شهریار بیگلی
کاملاً حرفه‌ای و مناسب با
موضوع نمایشگاه انتخاب شده
بود که این مهم بیننده را
هرچه بیشتر به بودن در
دنیای آثار و تمرکز بر روی
آثار کمک می کرد.

نگارخانه مژده

باز هم درختان و طبیعت
موضوع کارها را تشکیل
می‌دادند اگرچه این درختان
به شکلی دیگر شخصیت یافته
بودند و به گونه‌ای شخصیت
انسانی پیدا کرده بودند
یعنی این که بیننده در
برابر هر اثر آفریده شده
موجودی زنده را می‌دید که
با چشموهای خویش به او می
نگریست
تنه درختان و برگ‌هایی که
حالت صورت‌های را داشتند
که صاحب شخصیت بودند و
تمامی جنگل و تک‌تک درختان
را در بر گرفت بودند یا بهتر
بگویم همه جنگل دارای شخصیت
بود صاحب شخصیتی که بیننده
در این میان با آنها
ارتباط برقرار می‌کرد و
ایجاد حسی که گویی نباید

هیچ وقت تصور کرد که در
عمق جنگل هم بیننده می
تواند تنها باقی بماند
و همه چیز در همه حال
همگان را نظاره می کنند و
یک آن آنها را رها نمی کنند
در این مجموعه دایره ها و
نقطه ها اگرچه به مانند
کارهای ارائه شده در
نگارخانه افرند وجود دارند
اما با کارهای ارائه شده
در آنجا متفاوت هستند و بیشتر
در سطح کار با کل اثر
همهنگام شده اند
آثار حالتی انتزاعی دارند
و انسان را به شدت مورد
تأثیر قرار می دهند و به
دنیایی ناشناخته پرتاب می
کنند
از دیگر شاخص های تصویری
آثار می توان به آثاری
اشاره کرد که شکل زایشی
(بارور) دارند که بر زمینه
آکنده از خط نمایان می شوند

و این معنی را تداعی می
سازند که همه هستی در حال
زایش و تولد مداوم است این
خطوط با فاصله و ضرباهنگ
معین در همه کارها دیده
می شوند و همچون نقوش مکرر
خطوط تصویری کهن به متنی می
مانند که انرژی و درکی به
کلام نیامده را در خود
پنهان کرده اند که با
بیننده خاص این آثار در
میان می گذارند
مواد رنگی تشکیل دهنده
کارها همانند گذشته مختلف
هستند اما پاستل اساسی
ترین ماده رنگی تشکیل
دهنده آن است که با ترکیب
آنها مواد دیگر تکنیک خاص
و منحصر به فرد هنرمند را
در خلق این آثار هویدا می
سازد.
این آثار همچون دیگر آثار
شهریار بیگی بسیار خیال
انگیز و وهم برانگیز بودند

گالري بنفشه

در گالري بنفشه هستي و
عناصر تشكيل دهنده آن به
گونه اي ديگر بازگو
مي شوند و حسي متفاوت
اگرچه مشترك با ديگر آثار
در بيننده ايجاد مي کنند
موضوع آثار همه در زمينه
پشت و عمق آن و هم در سطح
آن آشکار است به مانند
صورت هايي است که دیده
نمي شوند و قسمت هايي از آن
همچون لب ها و چشم هادر آن
دیده نمي شوند و نيز در
بعضي آثار نقش اصلي آثار
با رنگ هاي تند و پرکنتراست
بسيار مشخص و هويدا
مي گردند و شخص بيننده را
براي ديدن کل نمايشگاه
آماده مي سازند
اگرچه هر اثر خود شخصيتي
مستقل و جدا از آثار نمايش

داده شده در نمایشگاه را
دارد اما به صورت زنجیر با
دیگر آثار د رنمایشگاه
مرتبت است
دگردیسی چهره در بعضی از
آثار به فرم های گوناگون
چنان شاخص می گردند که با
ترکیب و آرایش خاص تمامی
شخصیت آن ها را در بر
می گیرند به ویژه فرم لب ها
که حس برجسته و جدا اما
وابسته به موضوع را به
بیننده اثر انتقال می دهند
این مهم گویی جهت حرکت
نگاه از درون به برون را
گوشزد می کند که در مجموع
با حضور و دیدن و نگاه و
غیبت انسان مواجه می گردیم
انسان و شخصیتی که در همه جا
و همه چیز است اما نه به
شکل انسان با بدن انسان
بلکه به صورت آرایش
پیوندهای مولکولی شیمی همراه
با نمودار جهت دورانی اطراف

آن دایره هایی که پویایی
و جنبشی ایستا دارند و
گردشی مداوم را به بیننده
القاء می کنند و قابلیت
فیزیکی هندسی از آفرینش و
طول موج هایی به صورت قبض
و بسط و حالت احساسی مربوط
به آن را به انسان می دهند
مواد تشکیل دهنده این آثار
به مانند دیگر آثار از
مواد رنگی گوناگون تشکیل
شده است و پاستل و اکریک
مواد اصلی آن را تشکیل می
دهند که باتکنیک و روشی
خاص کل آثار را به وجود
آورده اند.
در این مجموعه به مخاطب این
حس داده می شود که همه هستی
در واقع زنجیره ای تا بی
نهایت و ابی ست که به
یکدیگر چون زنجیر متصل هستند
و انسان از زاویه دید و
توانایی خود این زنجیره را
مورد توجه قرار می دهد

نگارخانه شیو

در نگارخانه شیو همه هستی با
تمرکز هنرمند بر روی لایه
های بیرونی هستی مورد
توجه قرار می گیرد
لایه هایی زخمت و هویدا که
در همه حال و در همه جا قرار
دارند و خود را به بیننده
نشان می دهند
شکل بیرونی هستی که به چشم
می آیند و قابل دیده شدن و
لمس هستند
چگونگی استفاده از مواد
رنگی که اصلی ترین آن
رنگ روغن است برای به وجود
آوردن این آثار به صورت
مستقیم یعنی بدون دست کاری
اضافه از تیوپ رنگ بر روی
بوم مورد استفاده قرار
گرفته اند که به صورت
تکه های غلیظ رنگی مورد
استفاده قرار گرفته اند یا
به صورت سکل لوله ای آنه

بدون هیچ گونه تغییری بر
روی کار استفاده شده است
این طرز استفاده از رنگ
روغن هماهنگ با روش های
منحصر به فرد هنرمند در
بوجود آوردن این آثار این
حس را به بیننده القاء می
کند که لایه های بیرونی هستی
پیوسته در حال حرکت از
مرکزی ترین نقطه درون به
بیرون هستند و پیوسته مایل
به ادامه حرکت در این جهت
از درون به بیرون هستند
مربع و مستطیل های در
زمینه تاریک و روشن
ستون های عمودی و افقی
نقش های برجسته با رنگ های
مختلف له شده و فرم های زحمت
خراشیده شد و پیچ در پیچ
در مجموع حس کلی و سنگینی را
به بیننده القا می سازند
این مجموعه نیز تمامی هدف
های مجموعه پیشین را دنبال
می کند که اکنون به لایه

هاي بيروني خودنزديك تر شده
است و به صورت لايه هاي
ضخيم زحمت خاص نمايش داده
شده است

اين مجموعه مخاطب را به
دنياي مواد كاني مبرد و اين
حس را به مخاطب مي دهد كه
در لابلای مواد معدني در زير
و روي زمين در حال سفر و
تعمق و تفحص است.

فرم و رنگ هاي انتخابي و
نوع جنسيت رنگ ها اين حس
را در انسان به وجود مي
آورد كه مخاطب خود نيز حزني
از مواد تشكيل دهنده اين
مجموعه است.

همچون آثار ديگر هنري
شهريار بيگي اين آثار
نيز انسان را به دنيايي
ناشناخته پرتاب مي كند كه
از دنياي روزمره ما بسيار
دور و بسيار خيال انگيز
است و حس بيننده را به
دنياي ندانستگي مي برد.

نگارخانه طراحان آزاد

موضوع کارها در این مجموعه
به طبیعت پیرامون ما نزدیک
تر شده است و گویی رئالیستی
ترند و در آن تصاویری به
مانند درخت. برکه. آب
و..... را به موضوع
می توان باز شناخت به
مانند دیگر کارها از مواد
گوناگون رنگی سود جسته شده
است اگرچه پاستل و رنگ
روغن اساسی ترین آن را
تشکیل می دهد
در این مجموعه آثار از
مایه های روشن و شفاف به
وجود آمده اتد و اجرایی
کاملاً لطیفی دارند تفاوت و
تضاد رنگی در کارها جلوه
خاصی را در کارها ایجاد
کرده است
رابطه بافت آثار با یکدیگر
هم در سطح رویین و هم در
سطح زیرین در فراسوی موضوع

کار است و جلوه زیبایی به
کارها بخشیده است
این آثار به عنوان حسن
ختم این نمایشگاه
"یک نگاه . هفت مجموعه"
انسان را دوباره به جایی
رجعت می دهند که از آنجا
آغاز کرد "طبیعت"
و این پیام را به انسان می
دهد که همه چیز در طبیعت
است. از طبیعت آغاز می شود
و به طبیعت باز گردد
چگونگی استفاده از رنگ ها
و تکنیک استفاده شده توسط
شهریار بیگی به گونه ای
است که مخاطب را چه از نظر
حسی و چه از نظر عقلانی به
هستی و آفرینش نزدیک می کند
استفاده ملایم از رنگ ها چشم
را نوازش می دهند و همان
حسی را به مخاطب می دهند که
انسان در طبیعت تجربه
می کند و به خاطر خود بی
واسطه می برد

موسیقی انتخاب شده در این
مجموعه نیز همچون دیگر آثار
در دیگر نگارخانه ها کاملاً
حرفه ای انتخاب شده بود
نغمه ملایم موسیقی همراه با
صدای جریان آب و رودخانه و
صدای جنگل و پرندگان و
صدای باد و طبیعت پیرامون
انسان طوری بود که همراه با
تصاویر به وجود آمده در
آثار مخاطب را به عمق
احساسی خویش در این
نمایشگاه می برد و به او
احساس فرحبخشی می داد
احساسی که گوئیا پیام اصلی
و پایه ای این مجموعه
"یک نگاه . هفت مجموعه " بود
رهایی و آرامش و سرور
پیامی که از اولین مجموعه در
اولین نگارخانه شروع و به
آخرین مجموعه در آخرین
نگارخانه ختم نمی گردید بل
با مخاطب به عنوان یک تجربه
حسی نادر و عمیق تکرار می شد

در پایان باید بگویم که من
به صورت اتفاقی در ایامی
که نمایشگاه

"یک نگاه . هفت جموعه "

در هفت نگارخانه تهران اجرا
شد بود به صورت موقت برای
گردش و دیدن فامیل و دوستان
به ایران آمده بودم که از
این شانس خوب خود که باعث
دیدار من از این نمایشگاه
عظیم گردید خوشحال هستم
پس از سال ها که به ایران
باز می گشتم از نمایشگاهی
دیدن کردم که حرفه ای و
کامل بود. کاری که بی شک
وقت و نیروی بسیاری را به
خود مشغول کرده بود که در
این سطح حرفه ای و بالا به
خوبی انجام و خاطره خوبی از
آن برای من باقی بگذارد

نادر
مارش دوهزار و یک
اتریش

